



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ انصاری (ره) فرمودند : « السابع : لو كان التالف المبيع فاسداً قيمياً فقد حُكِيَ الإِتِّفَاقُ عَلَى كونه مضموناً بالقيمة » و قبلاً عرض کردیم که مقبوض به بیع فاسد حکم غصب را دارد و هر حکمی که بر غصب مترتب شود (مثل ضمان) بر آن نیز مترتب می شود .

اما بحثمان در این بود که وقتی ضمان در قیمی به قیمت شد ، قیمت چه وقتی میزان است؟ در اینجا اقوال مختلفی در مسئله بوجود آمده که ملخص آنها پنج قول است ؛ اول اینکه قیمت یوم الغصب میزان است (مختار آیت الله خوئی در مصباح الفقاهة) ، دوم اینکه قیمت یوم التلف میزان است ، سوم اینکه قیمت یوم الأداء میزان است ، چهارم اینکه اعلی القیم از یوم الغصب تا یوم التلف میزان است و پنجم اینکه اعلی القیم از یوم الغصب تا یوم الأداء میزان است .

عرض کردیم برای فهم مطلب و اختیار قول صحیح باید به سراغ مدارک اقوال برویم ، محقق در شرایع در کتاب الغصب فرموده : « و إن لم یکن مثلیاً ضمن قیمته یوم غصبه و هو اختیار الأكثر ، و قال فی المبسوط و الخلاف : یضمن اعلی القیم من حین الغصب إلى حین التلف و هو حسنٌ و لا عبرة بزیادة القيمة و نقصانها بعد ذلک (یوم التلف) علی تردد . »

حضرت امام (ره) نیز در تحریر الوسیله که دیروز خواندیم ابتدا نقل قول کرده و سپس فتوی نداده بلکه فرموده

احتیاط واجب آن است که اعلی القیم از یوم الغصب تا یوم الأداء به عنوان صلح و مصالحه به طلبکار پرداخت شود .

آیت الله خوئی در منهاج الصالحین کتاب الغصب مسئله ۹۲ فرموده : « یجب ردّ المغصوب ، فإن تعیبَ ضمن الأرض ، فإن تعذّر الردّ ضمن مثله و لو لم یکن مثلیاً ضمن بقیته یوم الغصب و الأحوط استحباباً التصالح لو اختلفت القيمة من یوم غصبه إلى یوم أدائه . »

به نظر بنده مطلب بسیار مهمی که در اینجا وجود دارد و پایه و اساس بحث می باشد آن است که ما باید ببینیم معنای ضمان چیست؟ زیرا همان طور که عرض کردیم مقبوض به بیع فاسد حکم غصب را دارد و شخص آخذ ضامن مالی که قبض کرده می باشد ، از طرفی شارع مقدس معنای ضمان را به عرف محول کرده لذا ما باید ببینیم در عرف کسی که ضامن می شود چه چیزی به عهده اش می آید؟ به عبارت دیگر ضمان یعنی : کون الشئ علی العهدة و وقوع الشئ علی العهدة ، منتهی اختلاف در این است که چه چیزی به عهده اش آمده تا آن را اداء کند ؟ که همین باعث بوجود آمدن اقوال مختلف در این مسئله شده است .

سید فقیه یزدی در حاشیه ۷۳۳ از حاشیه ای که بر مکاسب دارد و همچنین آخوند خراسانی در حاشیه مکاسب و مرحوم شهیدی در هدایة الطالب و عده دیگری فرموده اند آن چیزی که به عهده شخص ضامن آمده خود عین می باشد و تا یوم الأداء در ذمه او باقی می ماند لذا قیمت یوم الأداء میزان می باشد (کون العین فی العهدة) البته مرحوم ایروانی در حاشیه مکاسب

درباره قولی که گذشت (کون العین فی العهده) فرموده :
« هذا کلامٌ شعریٌّ » چراکه وقتی عین تلف شده دیگر به
عهده نمی آید بلکه مالیت به عهده می آید .

حضرت امام (ره) در کتاب بیعشان از ص ۴۹۳ تا ص
۵۰۶ روایاتی را ذکر کرده و از آنها استظهار کرده که
ضمان یعنی اینکه خود عین در عهده می باشد ولی بعد
از این قول برگشته و فرموده ضمان یعنی اینکه انسان
خسارت و غرامت را به عهده بگیرد به صورتی که عرفاً
بگویند حق صاحب مال أداء شد و او دیگر حق اعتراض
و گله ندارد یعنی در پرداخت خسارت باید به عرف
مراجعه کنیم و نظر بنده نیز همین است که ضمان یعنی :
کون الخسارة و الغرامة علی العهده ، البته بنده ترقی و
تنزل قیمت سوقیه را نیز مورد ضمان می دانم بنابراین کم
کم ما به این نتیجه می رسیم که برای جلوگیری و بسته
شدن راه اعتراض صاحب مال باید أعلى القیم را
پپردازیم .

قول دیگر آن است که در فرض مذکور (قیمی) نیز مثل
بر عهده می باشد زیرا همان طور که قبلاً عرض شد مال
سه مرتبه و هویت دارد که در مرتبه اول باید هویت
شخصیه پرداخت شود و بعد اگر نشد هویت صنفیه یعنی
مثل باید أداء شود و بعد اگر این هم نشد نوبت به هویت
مالیه (قیمت) می رسد یعنی این سه هویت در طول هم
قرار دارند و مترتب بر یکدیگر می باشند .

بعضی ها نیز مثل آیت الله خوئی به سراغ صحیحه اُبی
وَلَاد رفته اند و فرموده اند که قیمت یوم الغصب میزان
است ولی : به نظر بنده قول به ضمان أعلى القیم اقوی
می باشد زیرا همان طور که عرض کردیم ضمان یعنی :

کون الخسارة و الغرامة فی العهده و کیفیت ضمان نیز
موکول به عرف می باشد و عرف نیز تنزل و ترقی قیمت
سوقیه را لحاظ می کند .

خوب و اما کسانی که قائل به أعلى القیم هستند عبارتند
از : شهید ثانی در مسالک ، شهید اول در لمعه ، محقق ،
صاحب ریاض ، محقق ایروانی ، هدایة الطالب ، ایضاح
الفوائد لفخر المحققین و شهید ثانی در شرح لمعه ،
بنابراین بر ما لازم است که مدارک و أدله قول به أعلى
القیم را مطالعه کنیم و مورد بررسی قرار بدهیم و همچنین
أدله کسانی مثل حضرت امام (ره) و آقای خوئی که این
قول را رد کرده اند را نیز باید مورد بررسی قرار بدهیم
تا مطلب روشن شود ، بقیه بحث بماند برای فردا إن
شاءالله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد وآله الطاهیرین